

ارتقای آموزش هنر، دغدغه‌ی مشترک اهل هنر در آموزش و پرورش

سرمقاله کاوه تیموری

کیفی کردن آموزش هنر و ارتقای همه‌جانبه‌ی آن در نظام تعلیم و تربیت کشور، یکی از دغدغه‌های مشترک همه‌ی بخش‌های اثرگذار در این فرایند است. تأثیر تربیتی هنر در انبساط خاطر و رشد معنوی دانش‌آموزان، نکته‌ای در خور توجه است. به همین دلیل، برطرف کردن موانع، جبران کاستی‌ها و استفاده از روش‌های مبتنی بر خلاقیت در آموزش هنر، می‌تواند به غنی شدن این مقوله‌ی مهم پرورشی و فرادرسی کمک کند. در این میان، اتفاق مهمی رخ نخواهد داد، مگر این که شاخه‌ی اصلی و نقطه‌ی عزیمت در آموزش هنر مورد توجه قرار گیرد. حلقه‌های اصلی این فرایند را، نیروی انسانی مرتبط با آموزش هنر در یک زنجیره‌ی پیوسته، شکل می‌دهند. دانش‌آموزان، هنرجویان، معلمان هنر و هنرآموزان، مدرسان و تربیت‌کنندگان هنری و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، در پیوستاری منطقی، نقاط صفر تا صد این حرکت را تشکیل می‌دهند و چنانچه مقوله‌ی غیرانسانی تجهیزات و امکانات را به آن بیفزاییم، منظومه‌ی نهایی آموزش هنر قابلیت ترسیم پیدا می‌کند.

«رشد آموزش هنر»، بررسی و شناسایی میزان اثرگذاری این متغیرها را در محصول نهایی کار، یعنی ایجاد نگرش مثبت و شور هنری در دانش‌آموزان، امری مهم قلمداد می‌کند و به همین‌سان تمرکز بر درک دیدگاه‌های هر بخش از زنجیره‌ی آموزش هنر را ضروری می‌داند. زیرا دریافت این نکته‌ها، تصمیم‌گیران عرصه‌ی هنر آموزش و پرورش را با شماری از قابلیت‌ها و موانع روبه‌رو می‌کند که به تدریج و با تأنی می‌توان نقاط قوت را برجسته و نقاط ضعف را از میان برداشت. به این منظور لازم است از مشکلات دم‌دستی مثل مسئله‌ی مأمور به تحصیل معلمان هنر تا نحوه‌ی به روز کردن کتاب درسی استادان هنر را مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم. انجام گفت‌وگوهایی بر محورهای مورد نظر استادان هنر در مراکز آموزش هنر و دیدگاه‌های دبیران هنر در این راستا، می‌تواند یک مطالعه‌ی اکتشافی اولیه باشد. مدرسان هنر و پرورش‌دهندگان دبیران هنر در راستای کیفی‌سازی و ارتقای آموزش هنر معتقدند:

- جان گرفتن فرایند پژوهش هنر، به ارتقای آموزش هنر می‌انجامد.

- درس هنر از مقوله‌ی مواد «فرادرسی» است و نباید آن را به یک ساعت یا دو ساعت دوره‌ی راهنمایی محدود کرد.
- اهمیت دادن به استادان و مدرسان هنر ضرورت دارد.
- نبود مدرک دانشگاهی در هنرهای سنتی، نگارگری، تذهیب و خوش‌نویسی، از انگیزه‌ی عمومی در روی آوردن به آموزش سطوح بالای این هنرها می‌کاهد.

■ لازم است، بین نیاز مدارس با تعداد معلمان متخصص هنر تناسب برقرار شود.

■ مدرسان هنر باید در تدوین برنامه‌های آموزشی و تألیف کتاب درسی هنر مشارکت داشته باشند.

■ تأمین کادر تخصصی آموزش معلمان هنر در سطوح کشوری ضروری است.

این فهرست را می‌توان طولانی کرد، اما در آن سو معلمان هنر نیز محورهایی را مطرح می‌کنند که وقتی آن‌ها را ظرفیت و هوشمندانه در کنار نکات پیش‌گفته قرار می‌دهیم، به وجوه مشترک می‌رسیم که اگر چه از ذهن‌های متفاوت برمی‌آید، ولی از دغدغه‌های واحد خبر می‌دهد. معلمان نیز نکات زیر را مطرح می‌کنند:

■ نظام ارزشیابی متناسب با درس کیفی هنر تدوین شود.

■ دانش‌آموزان دوره ابتدایی، از پیش‌زمینه و آموزش‌های پایه‌ی هنر برخوردار نیستند و به تبع آن، در دوره‌ی راهنمایی ثمرآفرینی چندانی ندارند.

■ درس هنر معمولاً فقط در یک گرایش خاص توسط دبیران هنر تدریس می‌شود و از سایر هنرها غفلت می‌شود.

■ به روز کردن کتاب‌های درسی هنر، تقویت موضوعات طراحی و خط، و ارائه‌ی تمرین‌های جذاب بسیار ضروری است.

■ مکانی به نام «کارگاه هنر» در مدرسه راه‌اندازی شود. وجود چنین مکانی در همه‌ی مدارس لازم است.

■ وقت کم تدریس در پایه‌ی اول راهنمایی تحصیلی آن هم به میزان ۴۵ دقیقه، مشکلات فراوانی به بار می‌آورد.

■ تصویری مناسب از فلسفه‌ی آموزش هنر در ذهن بچه‌ها به وجود آوریم و آن‌ها را با ارزش‌های کاربردی این درس آشنا کنیم.

■ بین انواع هنرها با مناطق گوناگون کشور پیوند فرهنگی برقرار سازیم تا در نهایت بتوانیم برای هر استان کتاب هنر خاصی تدوین کنیم.

■ برای درس هنر، به جای استفاده از معلمان سایر رشته‌ها، معلمان متخصص را به کار گیریم.

■ در مدیران آموزشگاه‌ها نسبت به درس هنر نگرش مثبت ایجاد کنیم.

■ از ظرفیت زمانی دو ساعته‌ی درس هنر در پایه‌ی دوم و سوم راهنمایی حداکثر استفاده را ببریم.

■ در آموزش هنر، براساس روش‌های تدریس خلاق و بهره‌گیری از تکنیک‌های تازه و جذاب، برای دانش‌آموزان تنوع به وجود آوریم.

■ بچه‌های مستعد و قوی را به رشته‌های هنری هنرستان‌ها

هدایت کنیم.

■ تدریس هنر توسط معلم مجرب هنر سبب می‌شود دانش‌آموز از آموختن هنر بیشتر لذت ببرد.

این فهرست را نیز مانند محورهای مدرسان هنری می‌توان طولانی کرد، اما تفصیل بیشتر آن‌ها دورنمایی اصلی میزگردهای دوگانه‌ای است که «رشد هنر» در این شماره‌ی خود به آن‌ها پرداخته است و مانند آینه‌ای برای انعکاس دیدگاه‌ها، آن‌ها را روبه‌روی هم قرار می‌دهد.

بی‌تردید، طرح این مباحث به عنوان یک حرکت مطبوعاتی صرف، معنادار نیست و به طور اصولی، حل هر کدام از این موارد در گام نخست، نیازمند همزیستی و درک همه‌جانبه است. باید آرام آرام سیر تحول را شناخت و مقدمات آن را فراهم کرد.

در واقع آن چه که تمام این برجستگی‌ها و کاستی‌ها را به عنوان یک محور تفاهم اصلی به هم نزدیک می‌کند، صحنه گذاشتن بر نقش ارزشمند و تربیتی هنر در پرورش حس زیباشناختی دانش‌آموزان است که تلطیف آن می‌تواند به عنوان یک سرمایه‌ی معنوی همیشه همراه فرزندان ما باشد و حیات معنوی آن‌ها را از محرک‌های طبیعی برای زندگی بهتر سرشار سازد.

در خاتمه‌ی این نوشتار بنا بر وظیفه لازم می‌دانم، از حسن‌ظن مدیران محترم «دفتر انتشارات کمک‌آموزشی» در محول کردن مسئولیت سردبیری مجله‌ی رشد آموزش هنر به این جانب تشکر کنم و از خداوند بزرگ بخواهم که به من توان دهد تا بتوانم از این فرصت برای خدمت‌گذاری صادقانه به نظام تعلیم و تربیت کشور، استفاده کنم.

به همین سان، ضمن تشکر از سردبیر پیشین مجله رشد آموزش هنر، و شاعر و ادیب گرانمایه استاد جواد محقق، از تمامی اهل هنر تقاضا می‌کنم، دستمایه‌ی فکری خود را در قالب مقالات آموزشی برای این مجله ارسال دارند تا با راه‌اندازی مقدمات «نهضت آموزش هنر»، رفته رفته شأن و حرمت این درس در آموزش و پرورش بیش از پیش ارتقا یابد و کانونی برای جذب استعداد دانش‌آموزان بی‌شماری باشد که «راه هنر» می‌تواند ظرفیت‌های این سرمایه‌های تربیتی را به منصفی ظهور برساند.

آن چه که تمام این برجستگی‌ها و کاستی‌ها را به عنوان یک محور تفاهم اصلی به هم نزدیک می‌کند، صحنه گذاشتن بر نقش ارزشمند و تربیتی هنر در پرورش حس زیباشناختی دانش‌آموزان است که تلطیف آن می‌تواند به عنوان یک سرمایه‌ی معنوی همیشه همراه فرزندان ما باشد